



شورای عالی انقلاب فرهنگی

هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره
(ویژه علوم انسانی و معارف دینی)

طرح نامه ویژه‌ی کرسی‌های ترویجی

حوزه‌ی علمی کرسی: علوم انسانی و اجتماعی (حقوق و بزه‌دیده‌شناسی)

عنوان: بزه‌دیده‌شناسی حق‌بنیاد: الگویی برای شناسایی حق‌های بزه‌دیدگان در سامانه

حقوقی-اجتماعی ایران

ارائه دهنده: دکتر مهرداد رایجیان اصلی

عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)

پست الکترونیک (Email): m.rayejian@samt.ac.ir

نام مجله معتبر علمی که مقاله حاصل تحقیق پیشتر آنجا به چاپ رسیده است:

۱. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۵). "بزه‌دیدگان؛ حقوق و حمایت‌های بایسته". مجله علمی-پژوهشی پژوهش حقوق و سیاست (دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی). شماره ۱۹. صص. ۱۳۸-۱۱۷.
۲. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۵). "تحول حقوق جهانی بزه‌دیدگان بر پایه اصل هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم در بستر دادرسی عادلانه". مجله حقوقی دادگستری (علمی-پژوهشی). شماره ۵۷-۵۶. صص. ۱۸۴-۱۳۷.
۳. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۳). "بازاندیشی دادرسی دادگرانه در پرتو اصل هم‌ترازی حق‌های بزه‌دیده و متهم". مجله علمی-پژوهشی پژوهش حقوق کیفری (دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی). شماره هفتم. صص. ۱۴۸-۱۳۱.

لطفاً پاسخ پرسش‌های زیر را به صورت کامل و دقیق مرقوم فرمایید.

۱. لطفاً شناسنامه تاریخی نظر، نظریه یا مکتب مورد نقد را تبیین فرمایید.

خاستگاه بزه‌دیده‌شناسی حق‌بنیاد را باید در جنبش‌های حق‌های بزه‌دیدگان از دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی جست‌وجو کرد که از آن هنگام، کمابیش در همه کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، و از دهه ۸۰ در ایالت‌های متحد آمریکا، بریتانیا، استرالیا و زلاند نو تدبیرها و مقرره‌هایی برای حمایت از بزه‌دیده وضع شدند و یا به سرعت گسترش یافتند. در همین راستا، قانون‌های آیین دادرسی جنایی در بسیاری از کشورها (از جمله در ایران) با هدف بخشیدن سهم و جایگاه بهتری به بزه‌دیدگان اصلاح و بازنگری شده‌اند. سامانه حقوقی ایران چند دهه پس از این تحول، به جنبه‌های حمایتی یا کاربردی بزه‌دیده‌شناسی در سطح قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری جنایی توجه کرده است. در حالی که مقرره‌های پیشین آیین دادرسی جنایی به شکل آگاهانه و سازمان‌یافته‌ای به این جنبه‌ها توجه نکرده بودند، «قانون آیین دادرسی کیفری» ۱۳۹۲/۱۲/۴ (با اصلاحات و الحاقات پس از آن) با به‌رسمیت شناختن اصطلاح «بزه‌دیده»، مقرره‌هایی را برای حمایت از قربانیان جرم اختصاص داده است. ماده ۱ این قانون، حق‌های بزه‌دیده را در کنار حق‌های متهم، یکی از رکن‌های تعریف آیین دادرسی شناخته است. هم‌چنین، ماده ۱۰ نوشتگان پیشین آیین دادرسی درباره شاکی و مدعی خصوصی را با نوشتگان جرم‌شناختی بزه‌دیده‌شناختی درباره تعریف بزه‌دیده، پیوند می‌زند: «بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، "شاکی" و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، "مدعی خصوصی"

نامیده می‌شود». بدین‌سان، تمایز بزه‌دیده با شاکی و مدّعی خصوصی به این نکته بازمی‌گردد که از دیدگاه علوم جنایی تجربی (جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی)، آسیب و زبانی که به هر شکلی از جرم برخاسته باشد، معیار تعریف بزه‌دیده و بزه‌دیدگی او ست، خواه شخص بزه‌دیده شکایت کرده یا نکرده باشد، و خواه در صورت شکایت، جبران بزه‌دیدگی خود را خواسته یا نخواستۀ باشد.

۲. لطفاً علاوه بر توصیف علمی نظر، یا نظریه، یا مکتب مورد نقد همچنین پیشینه، جایگاه و دست‌آورد آن را تبیین نمایید.

بزه‌دیده‌شناسی حق‌بنیاد را می‌توان یکی از دو رویکرد به مطالعه بزه‌دیدگان دانست که جایگاه آنان در فرایند دادگری جنایی و نظام دادگستری جنایی را مطالعه می‌کند. از جهت درون‌مایه مفهومی نظری، این رویکرد مدّعی یک رهیافت فراجرم‌شناسانه به همه بزه‌دیدگان و حتّاً قربانیان رفتارها و پدیده‌های نامجرمانه است. به‌همین دلیل، برای آن از تعبیر «قربانی‌شناسی عمومی» نیز استفاده می‌شود. با وجود این، از نظرگاه علوم جنایی، این رویکرد را می‌توان در چارچوب «بزه‌دیده‌شناسی حق‌بنیاد» مفهوم‌سازی و تعریف کرد که می‌تواند به‌عنوان شکلی از یک بزه‌دیده‌شناسی اقدام یا بزه‌دیدشناسی کاربردی تعریف شود که در برابر بزه‌دیده‌شناسی علت‌شناسانه یا بزه‌دیده‌شناسی نظری قرار می‌گیرد.

بزه‌دیده‌شناسی نظری، خود می‌تواند به «بزه‌دیده‌شناسی سبب‌شناسانه» و «بزه‌دیده‌شناسی رفتارشناسانه/میان‌کنش باور» تقسیم شود. شاخه سبب‌شناسانه بزه‌دیده‌شناسی بیشتر به تبیین‌های محیطی-فیزیکی (شرایط پیشابزه‌دیدگی و فرصت‌های بزه‌دیده‌زا) مربوط است، در حالی که بزه‌دیده‌شناسی رفتارشناسانه/میان‌کنش باور، بر مطالعه رفتار مجرمانه و کنش بزه‌دیده در یک رابطه میان‌کنشی با بزه‌کار بر پایه تبیین‌های روان‌شناسانه تمرکز دارد.

بزه‌دیده‌شناسی کاربردی، در مقابل، خود می‌تواند به سه زیرشاخه «بزه‌دیده‌شناسی حقوقی» (تدبیرهای حقوق جنایی و سیاست جنایی)، «بزه‌دیده‌شناسی بالینی»، و «بزه‌دیده‌شناسی پیش‌گیری» تقسیم شود. بدیهی ست که چون هدف مشترک هر سه زیرشاخه، تحقق حمایت از بزه‌دیدگان با شناسایی حق‌های بنیادی و مشخصی برای آنها است، در نتیجه، ترجمان «بزه‌دیده‌شناسی حق‌بنیاد» شمرده می‌شوند.

۳. لطفاً ضمن شرح اجمالی نقد (فهرست نقاط ضعف و قوت)، مبانی و روش مورد نظر خود را در نقد نیز مشخص فرمایید.

پیکره بزه‌دیده‌شناسی حق‌بنیاد را می‌توان به دو بخشِ متقارن تقسیم کرد: نخست، حق‌های بنیادین مشخصی که باید برای بزه‌دیدگان شناسایی شوند. دوم، گونه‌های مختلفِ حمایت از بزه‌دیده که بر اساس حق‌های شناسایی‌شده، در یک سامانه اجتماعی، به معنای گسترده، و در سامانه دادگستری جنایی، به‌طور ویژه، باید پیش‌بینی شوند. از آن‌جا که بزه‌دیده‌شناسی حق‌بنیاد، برعکسِ بزه‌دیده‌شناسی علت‌شناسانه، بر زیان و آسیبی که در قالب بزه‌دیدگی رخ می‌دهد، تمرکز می‌کند، بدین‌سان، حمایت از بزه‌دیدگان بر اساس حق‌های شناسایی‌شده برای آنان، با توجه به شکل‌های گوناگون این زیان و آسیب، جنبه‌های مختلفی به‌خود می‌گیرد، که می‌توان آن را در یک الگوی شش‌گانه شامل حمایت‌های کیفری، شکلی یا آیین دادرسی‌مدار، مالی یا اقتصادی، پزشکی، عاطفی یا حیثیتی، و اجتماعی دسته‌بندی کرد.

دومین بخش از پیکره بزه‌دیده‌شناسی حق‌بنیاد، به شناسایی حق‌های بنیادی ویژه بزه‌دیدگان مربوط می‌شود که از یک‌سو، بر اصل‌های بنیادی حق‌های بزه‌دیده مبتنی است، و از سوی دیگر، مصداق‌های حق‌های ویژه بزه‌دیدگان بر پایه آن اصل‌ها را دربرمی‌گیرد.

اصل‌های بنیادی حق‌های بزه‌دیده»، شاملِ هنجارهای ملی و بین‌المللی اند که حق‌های بزه‌دیده بر پایه آن‌ها به رسمیت شناخته می‌شوند. دستِ کم، دو اصل بنیادی در این زمینه وجود دارند که عبارت اند از: یک، «اصل منع تبعیض نسبت به بزه‌دیده» که تابعی است از اصل کلی منع تبعیض؛ یعنی کاربردپذیری حق‌های شناسایی‌شده برای همه بزه‌دیدگان، فارغ از هیچ تفاوت و تمایزی از جهتِ نژاد، رنگ، جنسیت، سن، زبان، مذهب، ملیت، باور سیاسی یا هر باور و عقیده دیگر، باورها یا رویه‌های فرهنگی، مالکیت و دارایی، زادگاه یا خاستگاه خانوادگی، خاستگاه قومی یا اجتماعی، و کم‌توانی (نقص بدنی یا ذهنی). دو، «اصل هم‌ترازی حق‌های بزه‌دیده و متهم» که به ضرورتِ هم‌ترازی یا توازن میان حق‌های بزه‌دیده و متهم در بستر یک دادرسی دادگرانه اشاره دارد. این اصل فرض می‌گیرد که دادرسی هنگامی دادگرانه خواهد بود، که نه تنها حق‌های بزه‌کار (به‌ویژه، حق‌های دفاعی متهم) را تضمین کند، بلکه حق‌های ویژه‌ای برای بزه‌دیده، بدونِ خدشه یا محدودیتی برای حق‌های بزه‌کار (متهم) به رسمیت بشناسد.

۴. آیا نقد شما پیش‌تر در مجله یا کتابی ارائه گردیده است؟ (نشانی آن را مرقوم نمایید)

رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۳). "بازاندیشی دادرسی دادگرانه در پرتو اصل هم‌ترازی حق‌های بزه‌دیده و متهم". مجله علمی-پژوهشی پژوهش حقوق کیفری (دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی). شماره هفتم. صص. ۱۴۸-۱۳۱.

۵. در صورت عرضه‌ی مکتوب، آیا پاسخی نیز به نقد شما داده شده است؟ (نشانی آن را مرقوم نمایید)

اطلاعی ندارم.

۷. لطفاً اصطلاحات کلیدی نقد خود را تعریف فرمایید.

بزه‌دیده: شخصی ست که به دنبال رخداد جرمی متحمل آسیب و زیان بدنی، روانی، عاطفی-حیثیتی، خسارت مادی-مالی می‌شود.

بزه‌دیده‌شناسی: قلمرویی مطالعاتی در علوم اجتماعی و علوم جنایی ست که در قالب دو رویکرد علت‌شناختی و حمایتی یا حق‌بنیاد تحول یافته است و به مطالعه قربانیان جرم می‌پردازد.

حق: امتیاز یا مزیتی به طور معمول قانونی ست که فرد از آن بهره‌مند است.

حق‌های بنیادی: مجموعه حق‌هایی که بر اساس ارزش‌های اساسی شامل حیات یا زندگی، آزادی، و مالکیت یا دارایی‌ها به فرد داده می‌شود.

۸. نکته‌ی دیگری اگر در نظر دارید مرقوم دارید: ندارم.